

احوال و آثار شیخ علی حزین

شمیم الحق صدیقی*

شاعر شهیر و نویسنده برجسته ما به نام علی حزین معروف است. این نام، مرکب از دو جزء است: اول علی - نام عامش، و دوم حزین - تخلصش. البته این نام، شامل نام اصلی اش محمد نیست که وی تمام آثارش را بدان امضا می کند. بنابراین اشتباه بارزی است که مصنف مرآت آفتاب نما^۱ وی را علی می خواند. نویسندگان مجمع الفصحا^۲ و تحفة العالم^۳ از وی به نام «محمد علی» یاد می کنند. پس نام کاملش می شود محمد علی. اسم پدرش ابوطالب بود و وی ادعا می کرد که سلسله نسبش با شیخ تاج الدین ابراهیم، معروف به زاهد گیلانی می پیوندد^۴. شیخ محمد علی تخلص خود «حزین» را که نشانگر زندگی غمناکش است، از شیخ خلیل الله یافته بود. خلیل الله گاه گاهی شعر می سرایید و بعضی اوقات از حزین می خواست از بریخواند^۵. به قول خود حزین، وی روز دوشنبه، بیست و هفتم ربیع الآخر سال ۱۱۰۳ هجری در اصفهان پا به عرصه وجود گذاشت^۶.

* رئیس بخش فارسی دانشکده ذاکر حسین، دانشگاه دهلی، دهلی نو.

۱. شاهنواز خان، عبدالرحمن هاشمی بنبانی دهلوی، مرآت آفتاب نما (نسخه خطی)، شماره ۳-۳۲، مجموعه

فارسی گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر، ورق ۱۶۳.

۲. هدایت طبرستانی، رضا قلی خان ولد آقا هادی (م: ۱۲۸۸ هـ): مجمع الفصحا، ص ۹۴.

۳. عبداللطیف شوشتری، سید عبداللطیف بن ابی طالب: تحفة العالم، ص ۵۱۸.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۴.

۵. همان، ص ۱۲.

۶. همان، ص ۱۰.

خانواده حزین اصلاً در استرآباد زندگی می‌کردند تا اینکه یکی از نیاکانش شیخ شهاب‌الدین علی در لاهیجان، شهر قشنگ گیلان سکنی گزید و از آن به بعد، لاهیجان اقامتگاه دایمی نیاکان حزین گردید.^۱ بنابراین حزین را لاهیجی یا لاهیجانی به اضافه الزّاهدی و الجیلانی می‌خوانند. وی را اصفهانی نیز می‌خواندند، البته در نگارستان فارس^۲ اشتبهاً قزوینی خوانده‌اند.

حزین ابتدا از پدرش تعلیم یافت. سپس از محضر ملا شاه محمد شیرازی - که به اصفهان آمده بود - استفاده کرد. در عرض دو سال، حزین قادر گشت ساده بخواند و بنویسد. وی تعدادی از کتابهای منظوم و منثور فارسی را مطالعه کرد و دستور زبان و فقه را یادگرفت و بعداً منطق را آموخت.

حزین شعرگویی را در کم سنی آغاز نمود و به سن شش تا هفت سالگی توانست ابیاتی چند بسراید. پدر حزین که می‌خواست به پسرش ادبیات اسلامی بیاموزد، نگذاشت که وی شعر بسراید. استاد حزین هم با او مخالفت کرد.^۳ اما شاعر آتیه، استعداد شعرگویی را از خود نشان داد، توجه‌اش را بدان مبذول داشت و مخفیانه شعر می‌گفت. بعداً شیخ خلیل الله طالقانی او را تشویق نمود. پدر حزین هم به او اجازه داد؛ چون روزی هنرش را هنگام فی البدیهه سرودن یک چکامه^۴ عالی در حضور یک عده از دانشوران دید که مورد ستایش حضار قرار گرفت.^۵

حزین در آثار مهمش، نظیر تذکرة الاحوال، تذکرة المعاصرین و رساله در فهرست اساتذہ و تصنیفات خود، هیچ کسی را به عنوان استاد خود ذکر نمی‌کند. مصحفی^۶ نیز می‌گوید که حزین در شعرگویی هیچ استادی نداشت. بنابراین نمی‌توانیم بیانات حسین

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۴؛ شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو، ص ۹.

۲. آزاد دهلوی، شمس‌العلماء مولانا محمد حسین: نگارستان فارس، دهلی، ۱۹۹۲ م، ص ۲۲۶.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۱-۱۰: «چون استاد مطلع شد، مرا از آن منع نمود».

۴. همان، ص ۱۵.

۵. مصحفی همدانی امروھی، شیخ غلام: عقد ثریا، تصحیح مولوی عبدالحق (علیگ)، دهلی، ۱۹۳۴ م، ص ۱۲.

قلی خان^۱ و توماس ویلیام بیل^۲ را تصدیق کنیم که حزین سرودن شعر درست را از مولانا محمد مسیح فسایی آموخت. البتّه حزین^۳ خودش می‌گوید که منطق، ستاره‌شناسی، علم حساب، فیزیک، الهیات و غیره را از مولانا محمد مسیح یادگرفت، اما شعر را ذکر نمی‌کند. مولوی محمد علی^۴ و افتخار^۵ صرفاً می‌گویند که حزین شاگرد محمد مسیح فسایی بود.

حزین عارف بود و عرفان، مشخص‌ترین جنبه شعر اوست. تمایلات عرفانی در کودکی حزین ظاهر بود، زیرا وی تعلیم ابتدایی را از رادمردی مثل شیخ خلیل الله طالقانی گرفت. به علاوه وی آثار یک عده شعرای صوفی را تعقیب و برخی از آنها را تقلید کرد. محیط مساعد هند استعداد خوابیده‌اش را بیدار نمود و بالأخره وی اشعار عارفانه عالی خود را سرود.

شعرش

بهترین انتقاد شعر حزین از سوی معاصرانش بوده است، اما همه‌شان از او فقط تمجید و ستایش می‌نمایند. تنها سرج‌الدین علی خان آرزو مستثناست که شعر حزین را به باد انتقاد می‌گیرد. ذکر حاکم لاهوری فایده‌ای ندارد، چون وی کورکورانه آرزو را تقلید می‌کند؛ اما حتّی آرزو و حاکم، هر دو نام حزین را با احترام می‌برند. به علاوه، عقیده آرزو درباره حزین اینقدر تعصب‌آمیز است که حاکم هم هیچ چیز خالصی ندارد که راجع به شعر حزین بیفزاید.

۱. عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (نسخه خطی)، شماره ۲۰۲۱، ورق ۵۴۵، آرشیو ملی هند، دهلی‌نو.

۲. توماس ویلیام بیل: مفتاح التواریخ، کانپور، ۱۲۸۴ هـ/۱۸۶۷ م، ص ۳۴۸.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپخانه نولکشور، لکهنو، ص ۹۴۳.

۴. احمد کلکنه‌ای، مولوی احمد علی بن آغا شجاعت علی: هفت آسمان (نسخه خطی)، انجمن آسیایی بنگال، ص ۱۶۲.

۵. افتخار بخاری دولت‌آبادی، سید عبدالوهاب، تذکرة افتخارالشعرا (نسخه خطی)، شماره ۵۱/۲۷، ورق ۵۴، گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر.

تذکره‌نویسان بعدی به طور سنتی ردپای پیشروانشان را دنبال می‌کنند. مثلاً نویسندهٔ نغمهٔ عندلیب^۱ چنین ابراز نظر می‌کند:

”بعد از سعدی هیچکدام از فصحا با حزین برابری نکرده؛ نثرش بهتر از شعرش، و شعرش عالیتر از نثرش می‌باشد.^۲ در تمام اصناف سخن مانند: قصیده، مثنوی، غزل، رباعی، واسوخت یا هزل، حزین شعر را از فرش به عرش رساند.“^۳

خرده‌گیری شیروانی از شعر حزین معتبر است، اما متأسفانه آن هم بسیار مبهم و مختصر می‌باشد. به قول او حزین همقطار استادان مقبول غزل می‌باشد. وی مثنوی را در پایین درجه قرار می‌دهد، و خود حزین را در ردهٔ دوازدهمین گروه شعرا می‌گذارد.^۴ بهترین انتقاد شعر حزین از سوی وحشت است که در مجلهٔ مخزن شمارهٔ ژوئیه ۱۹۰۹ میلادی منتشر گردید. طبق آن^۵:

”میدان مخصوص حزین غزل و رباعی بود که وی در آن به حد کمال رسید. شیوهٔ شعرش شایستهٔ غزل و قابل تقلید و مملو از عمق اندیشه، شفافیت گفتار و ساختار، لطافت الفاظ، ذوق و شوق، سوز و گداز، غم و اندوه، گفتگوی عشق و عرفان می‌باشد که به اندازهٔ زیادی به ارزش آن افزوده است.“

غزل حزین تمام مختصات غزلیات حافظ، سعدی و جامی را دارد. افکار حزین عالی و زبانش صاف و شیرین است. به طور مثال یک غزل عالی^۶ او با این بیت شروع می‌شود:

چشمم گشوده است در فیض نوبهار از داغ ریخته است دلم طرح لاله زار

۱. نجم پنه‌ای، محمد رضا بن ابوالقاسم طباطبا: نغمهٔ عندلیب (نسخهٔ خطی)، فهرست نسخه‌های فارسی موزهٔ بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۳، ص ۹۷۸.

۲. طبق آرایش محفل، تألیف میر شیر علی افسوس خوافی، چاپ کلکته، ص ۸۸: ”حزین در نثر و نظم بالترتیب برابر با ظهوری و نظیری است.“

۳. نجم پنه‌ای، محمد رضا بن ابوالقاسم طباطبا: نغمهٔ عندلیب (نسخهٔ خطی)، ورق ۶۶ ب.

۴. شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو، ص ۵-۳۴.

۵. مجلهٔ مخزن، لاهور، شمارهٔ ژوئیه ۱۹۰۹ م، ص ۳-۱۲.

۶. آفاق: تذکرهٔ حزین، ص ۳۱.

قصاید حزین مخصوص به حمد خداست. حزین نیز برخی از قصاید خاقانی را تقلید نموده، اما در استعارات نوین و اظهارات متین پس مانده است. قصیده‌اش که با این مصرع شروع می‌شود:

شد جان و هوش و صبر و خرد را ز کار دست

در همان بحر قصاید کمال اصفهانی و سلمان ساوجی سروده شده است، چنانکه خودش می‌گوید^۱:

در بحر این قصیده بسی غوطه زد کمال اما ندادش این گهر شاهوار دست

*

سلمان بسی به چشمه فکر فشرده پای اما نیافت بر سخن آبدار دست
حزین در ودیعة البدیعة، حقیقة الحقیقة را تقلید کرده، اما نتوانسته است داد آن را بدهد. به علاوه خرابیات او به طرز بوستان سعدی نوشته شده، البته به قول شیروانی^۲ کمتر از آن است.

طرز بیان حزین غالباً ساده است؛ چون وی مرد مذهبی و عالم ادبیات عربی بود و لغت غنی و پرمعنی‌اش مرهون و مدیون آن است. این امر از تذکرة الاحوال وی واضح است. حزین از الفاظ فارسی جمع عربی می‌سازد. مثلاً سردسیرات و گرمسیرات و جمع عربی را در فارسی جذب می‌کند، مثل شهرهای معتبره. مشخصه دیگر او، کاربرد بعضی واژه‌های هندی است که بین شعرای ایرانی معاصرش در هند عموماً بکار می‌رفتند^۳.

در ایران و هند، هر دو حزین را بنابر نجابت، تقدس و دانشوری‌اش محترم می‌شمردند. هر چند وی اغلب وقت خود را در دربار و مصاحبت پادشاهان و نجیبان می‌گذراند، هیچ قصیده‌ای در مدح آنان نگفت. در تمام کلیات، حتی بیتهایی به مدح پادشاه

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، چاپ لکهنو، ص ۱۷۹.

۲. شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو، ص ۳۴.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمه ام. سی. ماستر (مقدمه)، بمبئی ۱۹۱۱ م، ص ۴.

یا نجیبی یافت نمی‌شود^۱ و اغلب قصیده‌هایش در ستایش ائمه می‌باشند. حزین در قصیده‌ای خطاب به پدرش این امر را تأیید و علتش را بیان می‌کند^۲:

نراندم به مدح بزرگان قلم ز فرماندهان عرب یا عجم
مگر مدح پیغمبر و آل او که هر کس بگوید خوشا حال او
اگر سود دنیا غرض داشتم وگر از طمع دانه می‌کاشتم
تفاخرکنان، سروران جهان خریدار بودند شعرم به جان
زبان می‌گشودم به نام یکی شکر می‌فشاندم به کام کسی
نبودی دریغ از منش ملک و مال ولی بود بر همت من وبال
به گردون نیامد سر من فرود مرا یک جبین ست و یک جا سجود

از آنجا که حزین شاعر درباری نبود، خود را برتر می‌شمرد از^۳:

خاقانی شروانی:

نقش همت نگر که خاقانی زیر پای قزل سراندازد

ظهیر فاریابی:

لوح از حدیث غیر نوشتیم نیم ظهیر تا خامه‌ام طراز قزل ارسلان دهد

سلمان ساوجی:

سلمان نیم که خامه معنی نگار من آرایش جریده یونانیان دهد

به علل سیاسی بود که حزین ایران را به قصد هند ترک گفت. طبق بیان خودش، وی مظنون دست داشتن در شورش مردم لار بود که منجر به قتل فرماندار لار، ولی محمد خان شاملو گردید که از سوی نادر شاه منصوب شده بود. از طرف دیگر واله داغستانی^۴ حزین را در بندر عباس گذاشته و به هند رسید، اما بعد از ده روز حزین هم در تنه واقع در استان سند در هند آن زمان همسفرش شد و به او گفت که همان رویداد اقامتش را در ایران ناممکن ساخته است و وی عازم هند گردید.

۱. عشرت هندی، دُرگا داس: سفینه عشرت (نسخه خطی)، شماره ۶۹۹، ورق ۱۸۸ الف، گنجینه بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا، نیز متوجه این نکته شده است.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۸۰۴

۳. همان، ص ۷-۱۸۶.

۴. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض الشعرا (نسخه خطی) مرتبه عبدالسلام، شماره ۶۹۳، ورق ۱۰۴.

حزین در دهم رمضان ۱۱۴۶ هـ ق، در عهد محمد شاه از بندر عباس به قصد هند سوار کشتی شد^۱ و در اوایل شوال ۱۱۴۶ هـ ق وارد تته گردید. سپس از شهرهای مختلف هند، شامل پایتخت، دهلی، در اواخر سال ۱۱۴۹ هجری دیدن کرد و بالأخره شهر مقدس هندوان، بنارس^۲ را که خیلی دوست داشت، به عنوان اقامتگاهش برگزید^۳. از بنارس نروم معبد عام است اینجا هر برهمن، پسر لچهمن و رام است اینجا حزین در نیمه شب یازدهم جمادی الاولی ۱۱۸۰ هجری جان به جان آفرین سپرد و در فاطمیان مدفون گردید. وی آرامگاهش را در دوره زندگانی‌اش، خودش ساخته بود. از میان نویسندگان ماده تاریخ، میر غلام علی آزاد بلگرامی به مناسبت درگذشت حزین، این ماده تاریخ را نوشت^۴:

علامه عصر و شاعر خوب افسوس که از میانه برخاست
تاریخ وفات او نوشتم از فوت حزین، حزین دل ماست

آثار منظومش

حزین تعدادی آثار منظوم را پشت سرش گذاشته که اغلبشان نابود گشته‌اند. بنابراین اینجا فقط آنهایی را متذکر می‌شویم که موجودند و یا مهم‌اند:

کلیات حزین

کلیات حزین^۵ اثر ضخیمی است که مرکب از دیوان چهارمش - غزلیات، مثنویات، قطعات و غیره - می‌باشد.

۱. افسوس خوافی، میر شیر علی: آرایش محفل، تصحیح سید حیدر بخش حیدری، چاپ کلکته، ص ۸۸.
۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۱۶.
۳. عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی خان: نشر عشق (نسخه خطی)، شماره ۷۱۶، بانکی‌پور، ورق ۵۴۸.
۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۱۰۳۱.
۵. تقریباً تمام تذکره‌نویسان و تاریخ‌نویسان بر سر این تاریخ متفق‌اند، به استثنای عده‌ای اندک، مثلاً بهگوان داس هندی لکهنوی، در سفینه هندی، نسخه خطی، شماره ۷۱۵، ورق ۲۳ الف، گنجینه بانکی‌پور، کتابخانه خدابخش، پتنا، می‌گوید: "حزین در ۱۱۷۸ هـ ق درگذشت".
۶. آزاد بلگرامی، میر غلام علی: خزانه عامره، کانپور، ۱۸۷۱ م، ص ۲۰۰.
۷. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، چاپ لکهنو.

دیوان اول^۱

اولین دیوان که از بین رفته است، مشتمل بر چکامه‌ها، مثنویات، قصاید و رباعیات و دارای هفت یا هشت هزار بیت بود. تاریخ دقیق تدوین آن دیوان معلوم نیست.

دیوان دوم

حزین دومین دیوانش را که همچنین نابود شده است، قبل از درگذشت پدرش، در سال ۱۱۲۷^۲ هجری در اصفهان تدوین نمود. آن دیوان دارای ده هزار بیت بود.

دیوان سوم

در شیراز، حزین ابیاتش را گرد آورده و سومین دیوانش را ترتیب داد که نیز به نظر می‌رسد معدوم گشته است. تاریخ دقیق تدوین آن معلوم نیست. مع‌هذا حزین این کار را در ۱۱۲۹ تا ۱۱۳۴ هجری انجام داد. زیرا می‌دانیم که وی بعد از درگذشت پدرش، در سال ۱۱۲۹^۳ هجری به شیراز مهاجرت کرد و پس از اتمام دیوان، کمی قبل از آغاز سال ۱۱۳۴^۴ هجری به اصفهان برگشت. آن دیوان سه چهار هزار بیت داشت.

دیوان چهارم^۵

حزین در چهارمین دیوانش ابیاتی را گردآورد که در دیوانهای قبلی‌اش نبودند، چنانکه خود می‌گوید:

”و چون دامنی از گهرهای یتیم در آن سه عقد شاهوار درنیامده، پریشان و ریخته بود، سلطان وقت، خازن اندیشه را به انتظام آن گماشته در این دُرّج گرانی گذاشت.“

-
۱. آروی، مجله نگار، شماره فوریه ۱۹۳۰ م، ص ۳۱، اشتباهاً بیان می‌کند که حزین پنج دیوان را تدوین نمود. اما فقط دو دیوان اول و دوم را توصیف می‌نماید.
 ۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۷-۶.
 ۳. همان، ص ۴۹.
 ۴. همان، ص ۵۲.
 ۵. حدیقة الافصح، ص ۴۴۶، فقط ذکر همین دیوان را می‌کند. یکی از قدیمیترین و معتبرترین نسخ این دیوان که آراسته از طلاکاری زیادی است، نسخه خطی کتابخانه رضا، رامپور، شماره ۲۱۳ مرتبه باقر بن ابوتراب است. این نسخه به حزین تقدیم شده بود که اصلاحش کرد و برخی از آخرین ابیاتش را در حاشیه آن نوشت.
 ۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۴۷.

وی این مواد پراکنده را در دوران اقامتش در مشهد جمع کرد که پس از فتح آن به دست شاه طهماسب در سال ۱۱۴۰ هجری به آنجا رسید^۱ و آنجا را در صفر ۱۱۴۲ هجری ترک گفت^۲. پس ۱۱۴۰ هجری، تاریخ گردآوری است. زیرا وی تدوینش را در آغاز ورودش به مشهد شروع کرد^۳:

”و چون با آنکه دو نوبت یا سه نوبت اشعار این ضعیف در حیطة جمع و تألیف درآمده، بسیاری از مسودات مهجور و ابتر گشته. نکته‌سرایان آشنا و رموز دانایان کتاب مهر و وفا خواستند که چند بیت پریشانی که بود نیز به جمع و تألیف گراید. لهذا در تحریر ترتیب شروع افتاد.“

حزین ترتیب مذکور را در ۱۱۵۵ هجری تکمیل کرد. چنانکه خودش می‌گوید^۴:
 هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بود که گشت نسخه دیوان چهارمین سپری آن دیوان مرکب از قصیده‌ها، چکامه‌ها، رباعی‌ها و غیره می‌باشد که جمعاً در حدود یکهزار بیت دارد. به قول حسین دوست^۵، نسخه‌ای که وی دیده، تقریباً بیست هزار بیت داشت که مبالغه‌آمیز می‌نماید، وقتی کل تعداد ابیاتی که حزین سرود سی هزار نبود^۶:
 تا قرب سی هزار ز اشعار دلفریب بر صفحه زمانه نوشتیم یادگار سپس بالغ بر سی هزار گردید^۷:

سی هزار است در چهار کتاب نظم کلک بدیع آثاری

ابیات بعدی‌اش که بعد از انتشار چهارمین دیوان سروده شدند، در نسخ خطی متعدد دیوان چهارم محفوظند که در تاریخهای مختلفی تدوین شدند. از نظر تعداد ابیات نیز در نسخ مختلف از هم جدا می‌باشد.

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۸۰-۷۹.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: دیوان حزین (نسخه خطی)، مرتبه عبدالسلام، شماره ۱۰۳-۸۶۶، ورق ۱ الف-ب، کتابخانه لیتون.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۴۹.

۵. حسینی سنهلی مرادآبادی، محمد حسین دوست، تذکرة حسینی، لکهنو، ۱۸۷۵ م، ص ۱۰۸.

۶. همان، ص ۱۴۹.

۷. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: دیوان حزین، کتابخانه لیتون.

آن دیوان، تنها دیوان حزین است که در هند منتشر شده و موجود است. دیوان حزین که به عنوان جزوی از کلیات او از سوی چاپخانه نولکشور منتشر شده است، نسخه‌ای معتبر، اما ناتمام است؛ چون بسیاری از ابیات آن حذف شده‌اند. اگر نسخه کاملی از دیوان تهیه شود، شاید در آن ابیاتی را شامل بکنند که تا سال ۱۱۸۰ هجری سروده شده‌اند؛ زیرا قلم حزین تا دم آخر، هیچگاه آرام نگرفت. امروزه در هند، حزین را به دلیل چکامه‌های عالی‌اش می‌شناسند؛ اما وی در زندگانی‌اش شعرگویی را عیبی می‌دانست که کمالات دیگرش را تحت الشعاع قرار داده بود^۱:

طرفی از شهرت و شعر که بستم اینست که سخن، قدر مرا کرد به عالم مستور
ذلت شعر فرو بُرد مرا در دل خاک زیر این گرد کسادی شده‌ام زنده به گور
تا جایی که به ایران مربوط است، این مطلب مخزن الغرایب^۲ را باید ملاحظه کرد:
«اکثر رفقای من که از مام میهن، ایران، به هند آمده‌اند، می‌گویند که اشعار شیخ را در میهن دوست ندارند. چه عجب! علت این تنفر در برابر شیرینی و سادگی شعرش چیست؟»

چمن و انجمن^۳

این مثنوی دو مرتبه نوشته شد. اثر قبلی از بین رفت. در کلیات حزین، آن را از صفحه ۸۲۳ تا ۸۳۸ درج کرده است و شروع می‌شود با:
به نام آنکه آذر را چمن ساخت دل دوزخ شرر را انجمن ساخت
در نسخه خطی چمن و انجمن^۴ موجود در کتابخانه آصفیه، تاریخ‌نگارش آن را سال ۱۱۵۵ هجری ذکر کرده است.

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۹۰۸.

۲. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان: مخزن الغرایب (نسخه خطی)، شماره ۵۴۷، ورق ۲۶۲ الف، کتابخانه‌های پادشاهان اوده، کلکته.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: مثنویات حزین در مجموعه خوبی به نام «مثنویات من جمله حزین» (نسخه خطی)، شماره ۱۲۴، کتابخانه کالج کینگ محفوظ است.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: چمن و انجمن (نسخه خطی)، شماره ۱۵۴، کتابخانه آصفیه، حیدرآباد.

خرابات

مثنوی دیگری که دو مرتبه تدوین شد. اثر قبلی که اشاره‌اش در تذکرة الاحوال^۱ آمده، به نمونه بوستان سعدی سروده شده بود. حزین همزمان با دیوانش به تدوین آن در مشهد پرداخته بود. فقط یکهزار و دویست بیت مثنوی در آن درج شده بود، اما هیچ‌گاه به تکمیل نرسید. ۷۲ بیت آن در تذکرة الاحوال^۲ نوشته شده که محتوی سیزده بیت، علاوه بر آنهایی است که در کلیات حزین^۳ داده شده است. خرابات با این بیت شروع می‌شود:

تناهاست پیر خرابات را که شست از دلم لوث طامات را

صفیر دل

مثنوی‌ای که حزین در هفتاد سالگی سرود. تاریخ ۱۱۷۳ هجری در پایان این مثنوی نوشته شده است:

نی سوره تاریخ اتمام یافت قلم با صفیر دل انجام یافت

۱۱۷۳ هجری

چاپ سنگی‌اش در چاپخانه نولکشور لکهنو انجام شده است و ۷۹۱ تا ۸۲۲ صفحه از کلیات را تشکیل می‌دهد. نسخه خطی مجموعه کرزن^۴ که در عظیم‌آباد نوشته و به دست یک نفر نند لعل نقل شده است، مورخه بیست و هفتم محرم ۱۱۷۵ هجری می‌باشد. اینجا چند بیت از صفیر دل به طور نمونه آورده می‌شود:

تناه‌ای شایسته دلدار را سپاس فراوان ز مایار را
 تناهایی که عالی سپاسان کنند سپاسی که یزدان شناسان کنند
 به عجز و سرافکنندگی سر نهم به سر از گل سجده افسر نهم
 به خشکی چه بندم به افسوس سر طراوت دهم از زمین بوس لب

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۸۱

۲. همان، ص ۵-۱۸۱.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۶۱-۸۳۹.

۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: صفیر دل (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۲۹۹، ورق ۲۳ ب، انجمن آسیایی بنگال، جلد دوم.

زبان از ثنا نخل موسی کنم به یاد رخی سینه سینا کنم

تذکرة العاشقین

مثنوی‌ای^۱ محتوی یکهزار بیت که دوازده بیت اولش در تذکرة الاحوال^۲ درج شده است. این مثنوی، اول در اصفهان، قبل از سال ۱۱۲۷ هجری و سپس در هند تدوین شد. طی مقدمه آن و سه مثنوی دیگری که در موزه بریتانیا^۳ محفوظند، حزین می‌گوید که پیشنویسهای اصلی‌شان در کشورهای مختلف پراکنده بودند و حالا نمونه هر کدام از آنها را نوشته تا آرزوی دوست نجیبی در هند را برآورد. چاپ سنگی آغاز و پایان مثنوی در لکهنو انجام شده است^۴ و با این مطلع شروع می‌شود:

ساقی ز می موحدانه ظلمت بر شرک از میانه

از مطالعه کلیات حزین استنباط می‌گردد که حزین تذکرة العاشقین را بعد از چهل سالگی^۵ تدوین کرده است.

ودیعة البدیعة یا بدیعة الودیعة

مثنوی‌ای^۶ که حزین به نمونه حدیقة الحقیقه سنایی، تقریباً در ۱۱۷۳ هجری سرود. زیرا در ورق پنجم نسخه خطی انجمن آسیایی بنگال، حزین می‌گوید که هنگام سرودن آن تقریباً هفتاد ساله است. چون حزین در سال ۱۱۰۳ هجری چشم به جهان گشود، وی این مثنوی را باید در تقریباً ۱۱۷۳^۷ هجری سروده باشد که با این بیت شروع می‌شود:

كُلُّما فی الوجود لیس سواه وَحدهُ لا اله الا الله

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپخانه نولکشور، لکهنو، ص ۹۳۸.
۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۴۸.
۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة العاشقین (مثنوی) (نسخه خطی)، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۲، ص ۷۱۶.
۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، ص ۸۸۹-۹۰۲.
۵. همان، ص ۹۰۱، بعد از ۱۱۴۳ ه.ق.
۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۳۴/۳، ورق ۶۶۳ الف، گنجینه حبیب گنج دانشگاه اسلامی علیگر.
۷. همان.

صفحه آخر نسخه خطی بانکی پور^۱ مورخه نوزدهم ربیع الثانی ۱۱۷۸ هـ ق می باشد. قبل از تدوین مثنوی فعلی، حزین پنجاه هزار بیت سروده بود.^۲
 بعد پنجاه هزار شعر گزین که درآمد به دفتر تدوین
 عمر من در جوار هفتادست مشت خالی مرا پُر از بادست

نثرش

”در نثر، شیوه حزین صریح و صافست. در حالی که واژه‌هایش پاک از هر نوع تصنع است، جمله‌هایش کمترین استعارات را دارد. حزین طوری می‌نویسد که گویی گفتگو می‌کند، اما بعضی اوقات جمله‌هایش اینقدر طولانی می‌شوند که وحدت آنها را خراب می‌کند. مع‌هذا اسلوبش نه سخت و سنگین است و نه مصنوعی و مطمئن“.^۳
 ”وی پاکدل، مستقل مزاج، مهربان و میانه رو بود“.^۴

آثار منثورش

حزین آثار منثور زیادی از خود به جای گذاشته است. مثلاً رقصات حزین، رجم الشیاطین، دستورالعقلا، فرس‌نامه، رساله در خواص الحیوان، رساله در چگونگی مروارید، مفرح القلوب، تذکرة الاحوال، تذکرة المعاصرین و غیرهم. تفصیل تمام آنها در این مقاله ممکن نیست. بنابراین به توضیح برخی از آنها می‌پردازیم که بسیار مهم و معروفند بسنده می‌کنیم:

رقعات حزین

مجموعه بیست و چهار رقع است که در دانشگاه پنجاب^۵ نگهداشته شده و دارای بعضی نخستین رقصات حزین است. اغلب آنها از نقاط مختلف به دهلی ارسال شده‌اند. این مطلب، از نامه هفدهم به اثبات می‌رسد:

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، ورق ۲۴۹ ب- ۳۰۱ ب، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۳۴/۳، ورق ۶۶۳ الف، گنجینه حبیب گنج دانشگاه اسلامی علیگر.
۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمه ام. سی. ماستر، چاپ بمبئی، ۱۹۱۱ م، ص ۴.
۴. مجله مخزن، چاپ بمبئی، ص ۱۱.
۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: رقصات حزین (نسخه خطی)، شماره ۲۰، قسمت سوم، ورق ۶۸ ب- ۸۰ الف، دانشگاه پنجاب.

”چند کلمه در جواب میرزا عبدالرحیم مرقوم است. مکرر مرقوم فرمودند که قاصد چنین و چنان از وقتیکه مکتوبش ملفوف به تقویم رسید تا این وقت نوشته ازو نرسیده بود و مرا هم حالت جواب نوشتن نشده. در این وقت دو کلمه نوشتم، از قاصد و نامه خود اینجا اثری نیست تا کدام صادق القول از صداقت کیشان دهلی چیزی به خدمت عرض کرده باشد.“

این رقعہ نیز محتوی اسامی حاکم الملک سید عمادالدین خان صاحب، محمد طاهر خان صاحب و مولانا عبدالعزیز است که ذکرشان در اغلب رقعات دیگر هم می‌شود. اینکه این رقعات خطاب به شخص واحدی می‌باشند از طرز همانندی خطابه هویداست: ”صاحب والا مقام سلامت“. البته در چند مورد، حزین با این خطاب رقعہ را شروع می‌کند: ”جناب من“.

رجم الشیاطین

در جواب تنبیه الغافلین شاعر سرشناس سراج‌الدین علی خان آرزو نوشته شده است^۱. سید محمد عبدالله می‌گوید که حزین پیروان زیادی در هند داشت و وارسته یکی از آنها بود. پس وارسته رجم الشیاطین را به تکذیب تنبیه الغافلین آرزو نگاشت. اصلاً نویسنده دانشمند، رجم الشیاطین حزین را با جواب شافی وارسته اشتباه کرده، جواب شافی را رجم الشیطان می‌خواند. وی کتاب را مضافاً توصیف کرده می‌افزاید:

”در گل رعنا کتابی به نام جواب شافی، منسوب به وارسته است. شاید رجم الشیطان و جواب شافی دو نام یک کتابند.“

بدین ترتیب می‌توانیم منبع اشتباه را پیدا کنیم. رجم الشیطان، دیگر در میان نیست. باز هم جنبه متناقض و شهره آن، ذکرش را لازم ساخت.

تذکره الاحوال

این اثر به نام «سوانح عمری شیخ علی حزین» معروف است، شرح زندگی حزین به قلم خود او، از زاد روزش در ۱۱۰۳ هجری گرفته الی تاریخ تصنیفش ۱۱۵۴ هجری

۱. رجوع شود به نگارستان فارس، تألیف شمس‌العلماء محمد حسین آزاد، ص ۸-۲۱۳.

می‌باشد. حزین آن را به سن ۵۱ سالگی در دهلی نوشت. وی در تذکرة الاحوال^۱ می‌گوید که هنگام تصنیف این تذکره ۵۳ ساله بود. این سهو را ریثو^۲ تکرار کرده است. اگر انتقاداً بگوییم، بیان حزین غلط به نظر می‌رسد. زیرا در سال ۱۱۵۴ هجری وی نمی‌توانست بیش از ۵۱ ساله بوده باشد؛ چون در سال ۱۱۰۳ هجری به دنیا آمده بود. حزین پنج شش تصنیفش را در دو شب^۳ به اتمام رساند. علی‌رغم ادبیاتی که به سرپرستی امپراطوران گورکانی به ظهور رسید، تذکرة الاحوال به شیوه صاف و ساده نوشته شده است.^۴ تذکرة الاحوال محتوی حکایات شخصی و تاریخی و مشاهدات عالی راجع به مردم و آداب‌شان، علاوه بر بیان جالب سفرها و نظراتش پیرامون آثار ادبی می‌باشد.^۵

«گزارشی درباره دانشوران و دانشمندان - که بسیاری از ایشان در دوران محاصره اصفهان در سال ۱۱۳۵ هجری هلاک شدند و با ایشان آشنایی داشت - یکی از جوانب پرارزش این کتاب است»^۶.

اطلاع گرانبها و مفصّلی درباره وقایع تاریخ معاصر فراهم می‌آورد که در آثار دیگر به ندرت یافت می‌شود و قسمتی از کتاب مربوط به آخر عهد صفوی و اوج نادر شاه، و دارای اطلاع دست اول راجع به حمله افغانها و تسخیر اصفهان در سال ۱۱۳۵ هجری است. کتاب مذکور مخصوصاً پرارزش است از این نظر که نویسنده‌اش از شعرای درباری نیست که عموماً حقایق را مسخ می‌کنند. ف.س. بلفور^۷ تذکرة الاحوال را با ترجمه انگلیسی‌اش منتشر کرده است. ترجمه انگلیسی دیگری را ماستر، تحت عنوان ذیل منتشر نموده است:

۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ لکهنو، ص ۱۴۳.
۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۱، ص ۳۸۱.
۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، چاپ بمبئی، ص ۱۱۹، می‌گوید: «روز و شب».
۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمه ام.سی. ماستر، چاپ بمبئی، ۱۹۱۱ م، ص ۴.
۵. همان، ص ۷.
6. Browne, E.G: *A Literary History of Persia*, Vol. IV, p.381.
۷. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمه ف.س. بلفور، چاپ لندن، ۱۸۳۰ م.

The Translation of the Tarikh-e-Ahwal of Mowlana Mohammad Shaykh Ali Hazin¹

ترجمه مذکور ناتمام است و با سرپیچی حزین از ازدواج، بعد از سعی عقیمی برای زیارت حج به پایان می‌رسد.

تذکره المعاصرین^۲

چنانکه از نامش پیداست، تذکره شعرای معاصر حزین می‌باشد که در هند در سال ۱۱۶۵ هجری در عرض نه روز تألیف گردید.^۳ مؤلفش علی حزین خواست که فقط شرح زندگی و شعر رفقای شیعه و معاصران خود را درج کند؛ بنابراین تذکره‌اش را از تاریخ تولدش آغاز کرد.^۴

این اثر محتوی ترجمه احوال صد شاعر معاصر حزین است که وی با اغلبشان ملاقات داشت و اشعارشان را از حافظه‌اش یادداشت کرد.^۵ اگر تذکره المعاصرین نبود، با عده کثیری از شاعران ایرانی آشنا نمی‌شدیم که از ۱۱۰۳ تا ۱۱۶۵ هجری زندگی کرده‌اند، و تاریخ ادبیات ایران اینقدر سرشار نبود.

تذکره المعاصرین دو قسمت است که اولش محتوی بیست تذکره علمایی است که شعر می‌گفتند؛ قسمت دوم دارای هشتاد تذکره شعرای پیشه‌ور است.

حزین می‌گوید که وی تذکره المعاصرین را به خاطر انحراف توجه‌اش از غم و اندوه تبعید تألیف کرد.^۶ صفحه آخر نسخه خطی بانکی‌پور^۷ مورخه بیست و سوم جمادی‌الاولی ۱۱۷۸ هجری می‌باشد که به قلم برکت الله نقل گردیده است.

1. *The translation of the Tarikh-e-Ahwal of Mowlana Mohammad Shaykh Ali Hazin* by M.C. Master, 1911.

۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره المعاصرین، چاپ سنگی‌اش در چاپخانه نولکشور لکهنو، همراه با کلیات حزین شده است.

۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره المعاصرین، چاپخانه نولکشور، لکهنو، ص ۱۰۲۵.

۴. همان، ص ۹۳۳.

5. Browne, E.G: *A Literary History of Persia*, Vol. IV, p.381.

۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره المعاصرین، چاپخانه نولکشور، لکهنو، ص ۹۳۸.

۷. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره المعاصرین (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، ورق ۷۶ ب، بانکی‌پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.

خلاصه باید اعتراف نمود که شیخ محمد علی حزین لاهیجانی از جمله شاعران و نویسندگان بلندپایه‌ای است که کمیاب و کم‌نظیرند. چون وی در ایران پا به عرصه وجود گذاشت و بعداً به هند مهاجرت کرد، یکی از مشاهیر مشترک ایران و هند نیز می‌گردد. حزین با آثار منظوم و مثنوی بی‌شمارش، ادبیات فارسی را غنی و سرشار ساخته است.

منابع

۱. آروی، مجله نگار، شماره فوریه ۱۹۳۰ م.
۲. آزاد بلگرامی، میر غلام علی: خزانه عامره، کانپور، ۱۸۷۱ م.
۳. آزاد دهلوی، شمس‌العلماء مولانا محمد حسین: نگارستان فارس، عاکف بُکدپو، دهلی، ۱۹۹۲ م.
۴. آفاق: تذکره حزین.
۵. احمد کلکته‌ای، مولوی احمد علی بن آغا شجاعت علی: هفت آسمان (نسخه خطی)، انجمن آسیایی بنگال.
۶. افتخار بخاری دولت‌آبادی، سید عبدالوهاب، تذکره افتخارالشعرا (نسخه خطی)، شماره ۵۱/۲۷، گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر.
۷. افسوس خوافی، میر شیر علی: آرایش محفل، تصحیح سید حیدر بخش حیدری، چاپ کلکته.
۸. توماس ویلیام بیل: مفتاح التواریخ (تألیف: ۱۲۶۴ هـ)، کانپور، ۱۲۸۴ هـ/۱۸۶۷ م.
۹. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ بمبئی.
۱۰. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، چاپ لکهنو.
۱۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریئو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۱.
۱۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره الاحوال، ترجمه ام.سی. ماستر (مقدمه)، بمبئی ۱۹۱۱ م.

۱۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمه ام.سی. ماستر، ۱۹۱۱ م.
(*The translation of the Tarik-e-Ahwal of Mowlana Mohammad Shaykh Ali Hazin by M.C. Master, 1911*).
۱۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة الاحوال، ترجمه ف.س. بلفور، چاپ لندن، ۱۸۳۰ م.
۱۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة العاشقین (مثنوی) (نسخه خطی)، فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریثو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۲.
۱۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۱۷. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپخانه نولکشور لکهنو.
۱۸. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکرة المعاصرین، چاپ سنگی اش در چاپخانه نولکشور لکهنو، همراه با کلیات حزین شده است.
۱۹. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: چمن و انجمن (نسخه خطی)، شماره ۱۵۴، کتابخانه آصفیه، حیدرآباد.
۲۰. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: دیوان حزین (نسخه خطی)، مرتبه عبدالسلام، شماره ۸۶۶-۱۰۳، کتابخانه لیتون.
۲۱. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: رقعات حزین (نسخه خطی)، شماره ۲۰، قسمت سوم، دانشگاه پنجاب.
۲۲. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: صغیر دل (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۲۹۹، انجمن آسیایی بنگال، جلد دوم.
۲۳. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: کلیات حزین، چاپ لکهنو.
۲۴. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: مثنویات حزین در مجموعه خوبی به نام «مثنویات من جمله حزین» (نسخه خطی)، شماره ۱۲۴، کتابخانه کالج کینگ.
۲۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۳۴/۳، ورق ۶۶۳ الف، گنجینه حبیب گنج دانشگاه اسلامی علیگر.
۲۶. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: ودیعة البدیعة (مثنوی) (نسخه خطی)، شماره ۴۰۷، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.

۲۷. حسینی سنبهلی مرادآبادی، محمد حسین دوست، تذکره حسینی، لکهنو، ۱۸۷۵ م.
۲۸. شاهنواز خان، عبدالرحمن هاشمی بنبانی دهلوی، مرآت آفتاب نما (نسخه خطی)، شماره ۳-۳۲، مجموعه فارسی گنجینه حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگر.
۲۹. شیروانی: حالات حزین معه انتخاب کلام، چاپ لکهنو.
۳۰. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (نسخه خطی)، شماره ۲۰۲۱، آرشیو ملی هند، دهلی نو.
۳۱. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (نسخه خطی)، شماره ۷۱۶، بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۳۲. عبداللطیف شوشتری، سید عبداللطیف بن ابی طالب: تحفة العالم.
۳۳. عشرت هندی، ڈرگا داس: سفینه عشرت (نسخه خطی)، شماره ۶۹۹، گنجینه بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۳۴. مصحفی همدانی امروهوی، شیخ غلام: عقد ثریا، تصحیح مولوی عبدالحق (علیگ)، جامع برقی پریس، دهلی، ۱۹۳۴ م.
۳۵. نجم پتنه ای، محمد رضا بن ابوالقاسم طباطبا: نغمه عندلیب (نسخه خطی)، فهرست نسخه های فارسی موزه بریتانیا، لندن، چارلس ریو، چاپ عکسی ۱۹۶۶ م، ج ۳.
۳۶. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض الشعرا (نسخه خطی) مرتبه عبدالسلام، شماره ۶۹۳، گنجینه بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۳۷. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان: مخزن الغرایب (نسخه خطی)، شماره ۵۴۷، ورق ۲۶۲ الف، کتابخانه های پادشاهان اوده، کلکته.
۳۸. هدایت طبرستانی، رضا قلی خان ولد آقا هادی (م): ۱۲۸۸ هـ: مجمع الفصحا.
۳۹. هندی لکهنوی، بهگوان داس: سفینه هندی، نسخه خطی، شماره ۷۱۵، گنجینه بانکی پور، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۴۰. مجله مخزن، چاپ بمبئی.
۴۱. مجله مخزن، لاهور، شماره ژوئیہ ۱۹۰۹ م.

